

سلام بر شما ای شیران ترکستان

بسم الله الرحمن الرحيم

ماهنامه لشکر خراسان

شماره ششم   رجب – شعبان **1434**هـ

"يَخرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ رَايَاتٌ سُودٌ لاَ يَرُدُّهَا شَيْءٌ حَتَّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاء"

رواه امام احمد.

ازخراسان، بیرق های سیاهی می برآید، هیچ چیزی جلو این بیرق را گرفته نمیتواند، تاکه به اِیلِیَاء (بیت المقدس) نصب کرده میشود.

در این شماره...

صاحب امتیاز:



آدرس انترنیتی:

www.khurasan.biz

بسم الله الرحمن الرحیم

پیام عثمان غازی امیر حرکت اسلامی ازبکستان به مسلمانان متدین سمت شمال افغانستان

تمام حمد وثنا و صفت به پرورد گاری که ما را از صحنهٔ عدم به صحنهٔ وجود آورد واز جملهٔ کسانی قرار داد که در غم دین وایمان اشک میریزند، درود و صلوات فراوان بر افضل ترین بشریت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم، برآل وبریاران وی باد.

وبعد: الله تعالی در کتاب خود چنین فرمود: (وَقَاتِلُوهُم حَتَّى لاَتَكُونَ فِتنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِله).

"بقرة/193"

وبا ایشان یعنی کافران بجنگید تا اینکه فتنهٔ باقی نماند ودین از آن الله گردد.

این بیانیهٔ خود را متوجه آن مؤمنان ومسلمانانی میسازم که در سمت شمال افغانستان به خاطر سربلندی اسلام و مسلمانان می رزمند.

برادران مسلمان! السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

به همه معلوم است که مسلمانان افغانستان از سالهای متمادی به اینسو علیه طاغوتان دنیا جنگیده وبینی ایشان را به خاک می مالند. همه میدانند که ملت افغانستان از جمله ملت هایی است که طاغوتان دنیا را از سرزمین های اسلامی خارج کردند. در صفحات تاریخ نیز این قضیه درج است که کافران این ملت غیور را بخود غلام کرده نتوانستند. چونکه شریعت اسلامی طبیعت و عرف وعادت ملت افغان گردیده است. بدین سبب بعد از سقوط خلافت اسلامی عثمانی ها، اولین بار سر فرازی بیرق توحید و ایجاد یک حکومت شرعی به مسلمانان افغانستان نصیب گردید. واین ملت غیور ملا محمد عمر مجاهد حفظه الله را به حیث امیرالمؤمنین انتخاب نمود.

کفار دنیا این توقع را نداشتند؛ بدین سبب ایشان به سر پرستی امریکا بخاطر جلوگیری از یک حکومت شرعی، به این دیار اسلامی حمله ور شده آنرا اشغال کردند. ونظام کفری شان را به نام آزادی و دموکراسی به ملت مسلمان افغانستان مسلط نمودند. با وجود این همه تلاش ها، بازهم الحمدلله دین ما محفوظ است.

(يُرِيدُونَ لِيُطْفِؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ). **"صف/8"**

(می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا گر چه کافران را ناخوش افتد نور خود را کامل خواهد گردانید).

در ظرف دوازده سال گذشته بعضی از جوانان این ملت را به بهانهٔ پیشرفت وترقی به فساد و گمراهی آغوشته ساختند. و بعضی از ملا های درباری و ترسنده گان از مرگ نیز، به دهل این اشغالگران رقصیدند. وبا این کارشان افکار ملت مسلمان را تغیر دادند. ولیکن بعضی از علمای حقیقی که مخالف علمای درباری بودند، کمر همت را بسته نموده وارد میادین جهاد شدند. در این مدت هزارها خواهران مسلمان ما بی عزت شدند. به بهانهٔ تعلیم وتربیه پردهٔ عفت و پاکی را دور ساخته شرم وحیا را از ملت ما گرفتند. به بهانهٔ آموزش زبان، ایشان را به فحاشی وبد بختی دعوت نمودند. و با استفاده از سلاح های سبک وسنگین بالای اهالی بی دفاع ومستضعف حمله نمودند، البته شما این تجاوز، قتل و وحشت گری ها را تا کنون بار ها شنیدید و دیدید.

در اواخر نزدیک ما شاهد یک واقعهٔ بودیم که سه دختر یک مرد مسلمان در حضور چشمانش مورد تجاوز قرار گرفت، بعد از این واقعه این مرد از شرم وحیا نتوانست در آن منطقه زندگی کند، بالآخره مجبور شد که منطقه را ترک نماید. با شنیدن اینچنین واقعه ها قلوب ما الم زده می شود و ازچمشمان ما اشک می ریزد و لیکن عزم ما برای مقابله با این جنایت کاران تازه می گردد.

این نوع مثال ها را شما بیشتر از ما شنیده اید. تا یکی ما مسلمانان دراین نوع ذلت وخواری زندگی مینمائیم.

اکثر مردم امروز میگویند که "خانهٔ من در امن است اشغالگران با من کاری ندارند"آیا با این سخنان، صفت بزدلان را به خود اختیار ننموده ایم؟

از سالهای متمادی بدینسو تبلیغات وتوطئه های دشمن که شب و روز بر ضد شریعت اسلامی وبر ضد عبادت جهاد "که بلند ترین قله اسلام است"، جریان دارد.

امیر قبلی ما شهید محمد طاهر فاروق یک هفته قبل از شهادت شان، در بیانیهٔ آخری خود خطاب به مسلمانان سمت شمال چنین فرموده بود: ای مسلمانان سمت شمال! شما نیز از کاروان جهاد عقب نمانید. یعنی وصیت آخری ایشان به مسلمانان سمت شمال، بالخصوص به علماء وطلبای کرام بود.

جای بسا شکر است که غیرت وهمت برادران مسلمان ما ختم نشده است. از سرزمین افغانستان، قهرمانانی برآمدند که دنیای کفر را به لرزه در آورده و ملت ها را رهبری میکردند، از این به بعد نیز به خروج این نوع رهبران حقیقی باور داریم.

بلکه اکنون نیز شما شاهد بلند همتی فرزندان غیور این کشور هستید.

در این عصر پر از فتنه که بعضی علماء بخاطر حفظ جان شان به علم خیانت میکنند، فدائیان این امت بخاطر دین اسلام جانشان را فدا نموده به منزلهٔ آفتاب در خشان می درخشند. شاید شما در این عصر شاهد مشقت ها در راه خدا و شاهد شهیدانی باشید که بخاطر دین الله تعالی خود را فدا مینمایند. اکنون وقت آن رسیده است تا این دشمنان دین را که از دوازده سال بدینسو بخاطر بی غیرت ساختن این ملت کوشش نموده وقانون خود ساختهٔ شانرا بالای ما تطبیق مینمایند، با زور ایمان از خاک بیرون نمائیم. ولیکن متوجه باشید که این دشمنان به سادگی از ما فرار نکنند! ما باید انتقام سقوط امارت اسلامی، خونهای ریخته شده وانتقام نوامیس تجاوز شده را بگیریم. از امکانات ایشان بر ضد خودشان کار گیریم.

برادرانیکه در قلوب شان ایمان وجود داشته باشد، با سلاح هایشان به میدان جهاد برآیند. کفار امروزی باید مانند انگلیسی و شوروی از دست فرزندان ما ضربه ببینند. ممالک اسلامی برای کفار به یک دیار امن مبدل نگردد! هر شهر ما هر ملک ما هر جادهٔ ما هر بنای ما به قلوب ایشان دهشت اندازد! ایشان در قرارگاه هایشان خواب آرام نداشته باشند. به آن مرتدینی که به اشغالگران خارجی خدمت مینمایند نیز رحم نکنید. زیرا که ایشان به مسلمانان نسبت از کفار دشمن تر اند.

ما آن خدمات شما را که در زمان امارت اسلامی افغانستان به ما انجام داده بودید، فراموش نکرده ایم. ما آن هزاران جوانی را که بخاطر آزاد ساختن سمرقند وبخارا بیعت داده بودند بیاد داریم. بعد از سقوط امارت نیز از سوی شما ملت متدین خوبی های زیادی دیدیم. در دوازده سال گذشته حرکت اسلامی ازبکستان در شمال و جنوب افغانستان فعالیت های جهادی را پیش برد و شهداء زیادی را نیز در راه الله سپرد.

در قبال این، جنگ ما علیه حکومت پاکستان در دیار قبائل نیز ده سال شد. در این مدت، بسیاری از کفار دنیا خواستند تا ما را از خود سازند بخاطر این هدف ما را تهدید کردند، حتی بهترین برادران ما را به قتل رساندند،... ولیکن ما به مکر ایشان بازی نخوردیم.

شیاطین حکومت پاکستان از ما خواستند که به جهاد علیه این حکومت پایان بخشیم ودر قبال این، وعدۀ همکاری را در جهاد افغانستان با ما کردند ولیکن ما به این راضی نشدیم. استاد ما شهید محمدطاهر فاروق به ما این تعلیم را داده که هرگز به کفر دست ندهیم. روزی مزدوران پاکستان به محمد طاهر فاروق پیام فرستادند که در صورتی که 10 تن از مهاجرین را به حکومت بسپارید شما در داخل پاکستان در امن هستید. ایشان کلام امیر المؤمنین ملا محمد عمر مجاهد حفظه الله را بیاد آورد که گفته بود: "من هرگز مسلمان را به کفار نمی سپارم" محمد طاهر فاروق نیز چنین کرد وگفت: «حتی مرغ مسلمان را نیز به کفار نمی سپارم» .

مکاران حکومت باز گفتند که ما 10 نفر از افغانان را دستگیر می نمائیم و شما فقط اعلان نمائید که ایشان افراد ما اند. اما محمد طاهر فاروق به این خیانت نیز راضی نشد. به همین دلیل جهاد ما تا به امروز ادامه دارد. در ادامۀ این جنگ ها از امیران و از قومندانان خود جدا شدیم، ولیکن یک قدم هم به عقب برنگشتیم، وبعد از این نیز بر نخواهیم گشت انشاءالله. نتیجۀ این قربانی ها سبب شد تا مسلمانان در دیار قبائل بیدار شوند، و به این اساس تحریک طالبان پاکستان تأسیس شد و دیگر گروه های جهادی نیز به فعالیت آغاز نمودند. امروز این قوم (قبائل) میخواهند درعبادت جهاد از همدیگر سبقت کنند. وما این نوع مسابقات را در افغانستان و در سائر کشور های اسلامی نیز آرزو داریم. هیچ قومی باید از این اجر

بزرگ در عقب نماند. هر قومیکه در شهادت و زحمات در راه خدا پیش قدم گردد فردا همان قوم بالای اقوام دیگر عزیز خواهد شد.

برادران شما در جهاد پاکستان نیز اشتراک مینمایند. به همین دلیل فقط به جهاد افغانستان اکتفا ننموده بلکه از فضیلت غزوهٔ هند نیز حصه بگیرید. مرتدین پاکستانی برضد مجاهدین نظر به حکومت های دیگر تجربهٔ زیادی دارند و خیانت های زیادی را مرتکب شده اند. پس ای برادران غیور وبا شهامت باید این فرصت طلائی را از دست ندهید.

به پروردگار خود شکر میکنیم که، با براه انداختن عملیات های استشهادی کشتن رهبران کفری در هرجا به ما نصیب گردید. کسانی که در صف کفر جا گرفته اند، به این دو چیز خود شان را آماده سازند، یا با مجاهدین یکجا شوند ویا منتظر عذاب های الهی باشند.

سبب رو گرداندن مسلمانان در تمام جهان از جهاد، نبود امکانیات نیست، بلکه خیانت آن قومندانان ورهبرانی بود که بعد از فتوحات به خون شهداء و صادقین صورت گرفت. ما و شما باید به خیانت دست نزنیم و در همه کار صداقت را محکم بگیریم و وفا نمودن به عهد الهی را از اهداف مهم خود بسازیم.

(مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللهَ عَلَيه فَمِنهُم مَن قَضَى نَحبَهُ وَمِنهُم مَن يَّنتَظِرِ وَمَا بَدَّلُوا تَبدِيلاً). "احزاب- 23"

در میان مؤمنین کسانی هستند که به آن عهدی که به الله تعالی داده بودند صادق ماندند، بعضی از ایشان به آن عهد شان وفا نموده (از دنیا رفتند) وبعض دیگر شان منتظر اند وایشان به عهد خویش تغیر وتبدیل نیاورده اند.

بیائید برادران عزیز! حیات خود را با لذت و با هدف بگذرانیم. از ملت گرائی بسوی امت گرائی برآئیم! اولا خود و ثانیا شما را بسوی تقوا از الله تعالی و خدمت به شریعت الهی دعوت میدهم!

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

برادر شما "عثمان غازی"

امیر حرکت اسلامی ازبکستان

نشانه های ضعف یقین در امت

الحمد لله رب العالمین والصلاة و السلام علی اشرف خلقه و خاتم رسله سیدنا محمد و علی آله و صحبه و من اهتدی بهدیة الی یوم الدین، وبعد:

همانا عامل اساسی که باعث می‌شود، انسان به طور جدی و مستمر برای آخرت تلاش کند، یقین و اطمینانش به کسب ثواب و پاداش نیک در آخرت است. او به طور یقین می‌داند که روز پایانی وجود دارد و آن روز قیامت و حساب، روز بهشت و جهنم و صراط و میزان است. پس یقین قطعی‌اش باعث می‌شود که به کاری که خداوند متعال بدان خشنود می‌شود و از آن راضی است عمل کند و بر آن ثابت قدم باشد و به سرعت به سمت خیر حرکت کند.

پس این معادله و قاعدۀ است که آن را همیشه در ذهن و قلبت نگه‌دار: هرگاه یقین به آخرت ضعیف شد، عمل و محصول برای آخرت ضعیف می‌شود و هرگاه یقین به آخرت قوی شد، عمل و محصول برای آخرت قوی می‌شود.

منظور از یقین و اطمینان، یقین به آخرت است. هرگاه بنده دوباره زنده شدن، بازگشتن و هر آنچه در قیامت است، ایمان داشت، قلبش مانند منظرگاهی برای آن می‌شود، مانند اینکه آن را می‌بیند. خداوند متعال می‌فرماید :(وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ)." بقرة/ 4" (و به روز رستاخیز اطمینان دارند).

پس هنگامی که ایمان بنده بیشتر شد و یقین در قلبش رسوخ و جا گرفت، گوئی که حقایق آخرت در روبرویش است و بهشت و جهنم را می‌بیند و زندگی، اخلاق، افکار، راه و شیوه‌اش و هر آنچه که در زندگی‌اش است تغییر می‌کند. بعضی از زاهدان گفته‌اند: «فکر نکنم کسی در مورد بهشت و جهنم شنیده باشد، و لحظۀ از حیاتش وجود داشته باشد که در آن با ذکر یا نماز یا قرائت قرآن یا احسان، به اطاعت از خداوند متعال نپردازد».

در این مقاله از مرض خطرناک و کشندۀ حرف می‌زنم که افراد و امت‌ها را از بین برده است و آن ضعف یقین است. از نشانه‌هایی حرف می‌زنیم تا انسان از آن برحذر و هوشیار باشد. همانا ضعف یقین باعث شده که بسیاری از مردم دچار مرض تنبلی و سستی شوند. با توفیق خداوند متعال از آن حرف می‌زنیم:

1ـ تنبلی در عبادت: شکی نیست که تنبلی در عبادت یکی از نشانه‌های ضعف یقین است. پس هرگاه عدم رغبت، شوق، حرص و تعجیل برای عبادت مانند قرائت قرآن یا نماز ـ چه فرض یا نافله و یا کم کردن ذکر خداوند متعال یا هر عبادتی که مربوط به حق خداوند متعال یا حق مردم باشد از قبیل صله رحم و ...، را در خود احساس کردی، بدان دچار بیماری به نام «ضعف یقین» شده‌ای.

همچنین عدم حرص در تطبیق سنت‌های روزانه یا عدم حرص به فضائل اعمال، همگی دلالت بر ضعف یقین دارد.

مثلا: اگر به مردم گفته شود: «هرکس به یکی از سنت‌ها عمل کند، به او مبلغ پولی داده می‌شود یا هرکس نماز صبح را به جماعت در مسجد بخواند، ارتقاء رتبه پیدا می‌کند یا هرکس هر ماه قرآن را ختم کند، به او جایزۀ با ارزش داده می‌شود و مانند این مثال‌ها، در این حالت همه مردم را نسبت به این اعمال حریص می‌بینی و این به خاطر» «قدرت یقین‌شان» نسبت به جایزه یا پولی است که به آن‌ها داده می‌شود و این رفتار به دلیل آن است که اکثر مردم ایمان‌شان به چیزهای محسوس و قابل دیدن نسبت به غیب بیشتر است، پس مال موجود است و آن را می‌بینند، اما جزاء اعمال در جهان غیب است.

اندک بودن دعاء و عدم حرص نسبت به آن دلیلی بر ضعف یقین است. زیرا هرکس به وعده خداوند متعال به اجابت دعا ایمان داشته باشد، با تمام وجودش به دعا کردن می‌پردازد، زیرا می‌داند که خداوند متعال بر هر چیزی قادر است.

(وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ). **"بقرة/ 186"**

وهنگامی که بندگانم از تو دربارۀ من بپرسند (که من نزدیکم یا دور،) من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم (و نیاز او را برآورده می‌سازم). پس آنان هم دعوت مرا (با ایمان

و عباداتی همچون نماز و روزه و زکات) بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه یابند (و با نور ایمان به مقصد برسند.

2ـ اعتماد به دنیا: اطمینان به دنیا و فراموش کردن وغفلت از آخرت، باعث میشود که انسان همه وقتش را صرف این دنیا کند و فکرش، همّش، عملش و قلبش همه متعلق به دنیا باشد. پس او به دنیا راضی میشود و آن را بر آخرت مقدم میشمارد. پس هرگاه سخن میگوید به خاطر دنیا است و هرگاه ناراحت می‌شود باز به خاطر دنیا است. برای آخرت یا عبادت پروردگارش وقتی ندارد، در روز مشغول کار و تلاش برای دنیاست و در شب مانند جنازۀ بی حرکت است. همان گونه که پیامبر صلی الله علیه وسلم توصیفش کرده است: (جیفة باللیل حمار بالنهار عالم بدنیا جاهل بالاخرة).

مانند جنازۀ در شب و خر در روز است، نسبت به دنیا عالم و نسبت به آخرت جاهل است.

و همانا ترک جهاد فی سبیل الله و اعتماد و تکیه بر دنیای فانی، یکی از نشانه‌های «ضعف یقین» است.

به همین خاطر می‌بینیم وقتی که صحابه ـ حتی کم سن و سالان صحابه که به سن بلوغ نرسیده بودند ـ یقین در قلب‌هایشان رسوخ میکرد برای طلب شهادت و آنچه که خداوند متعال برای شهدای راهش از نعمت‌های پایدار و درجات عالی آماده نموده است، به سوی میادین جنگ و قتال میشتافتند.

سبحان الله! زن‌های صحابه برای جهاد در راه خداوند متعال اشتیاق داشتند در حالی که امروزه بسیاری از صالحین و اصلاح گران و از اهل علم در این زمانه اشتیاقی برای رسیدن به درجات شهداء و مراتب مجاهدین ندارند، إنا لله و إنا الیه راجعون! تصور نمیکنم شخصی وجود داشته باشد که کتاب «مشارع الاشواق» ابن نحاس را بخواند و نسبت به جهاد و شهادت اشتیاقی نداشته باشد، مگر اینکه به خاطر ضعف در یقینش باشد. والله اعلم

یکی از علت‌های عقب‌ماندگی مسلمانان «ضعف یقین» و عـدم مقاومت در برابر اشغالگران سرزمین‌های مسلمین و بیرون نکردن آن‌ها از سرزمین‌هایشان است، که این خود دلیلی بر این بیماری است.

3ـ از نشانه‌های دیگرش آن چیزی است که نزد عموم مردم از انواع ترس مستمر وهمیشگی وعدم اطمینانشان به پروردگارشان می بینی. آن‌ها را می بینی که از همه چیز میترسند! از جانش و از اهل و

اموالش و... او میترسد که چیزی از آن‌ها را از دست بدهد، پس همیشه در حال نگرانی و ترس از فقر هستند.

هرکس اطمینانش را به خدا از دست داد، خود را دچار اضطراب و نگرانی میکند و به پروردگارش سوء ظن دارد و حزن و ناراحتی‌اش افزایش پیدا میکند و از تحمل مشکلات عاجز میماند.

4ـ عدم رضایت به قضا و قدر خداوند: پس نسبت به آنچه که خداوند بر او مقدر کرده از بلاء یا مصیبت یا غیره ناخشنود است. و حال آنکه رضایت و خشنودی به قضاء خداوند موجب آرامش نفس و اطمینان قلب میشود و مؤمن واقعی که با خداوند متعال در ارتباط است، میداند که همه چیز به قضا و قدر است، پس صبر میکند و اجر و پاداش آن را می‌برد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرماید: (ذاق طعم الایمان من رضی بالله ربا و بالاسلام دینا و بمحمد رسولا).

هرکس به پروردگاری خداوند متعال و به دین اسلام و پیامبری محمد صلی الله علیه وسلم راضی باشد، طعم ایمان را چشیده است.

و هنگامی که یقین عبد به پروردگارش کم شد، بر قلبش یأس و ناامیدی وارد می‌شود.

5- ارتکاب گناه: ارتکاب هر آنچه از اقوال و اعمالی که خداوند متعال بر مسلمان حرام کرده است. پس تصور نمیشود که شخصی به روز آخرت و به بهشت و جهنم ایمان داشته باشد و مشغول گناه باشد. این امر هرگز امکان پذیر نیست؛ بلکه آنچه از معاصی و گناه انجام میدهد به خاطر ضعف یقین به آخرت است.

برای مثال: اگر طبیب مسیحی به تو بگوید اگر از بعضی از خوردنی‌ها استفاده کنی، به فلان مرض دچار میشوی، متأسفانه بعضی از مردم را میبینی که کلام این طبیب را تایید میکنند و به آن مبادرت میورزند و این خوردنی‌ها ـ در حالی که مباح هستند ـ را به خاطر ترس از بیماری رها میکنند.

پس ای مسلمان! مناسب نیست که سخن خداوند متعال را تصدیق بکنی، در حالی که او راستگوترین سخنگویان است و تو را از ارتکاب گناه بر حذر میدارد تا دچار آتش جهنم و عذابش نگردی؟

به خدا سوگند و سپس به خدا سوگند کسی که یقین به روز قیامت در قلبش جای گرفته باشد به طوری که گویی بهشت و جهنم و قیامت را میبیند، هیچگاه دچار گناه نمیشود. بلکه این انسان، خود را به خاطر هر سخن و عملی بازخواست میکند، حتی به خاطر هر آنچه که در قلبش میگذرد، خود را بازخواست میکند. او شدیداً به محاسبهٔ نفس خود میپردازد و در نهایتِ پرهیزگاری و ترس از خداوند متعال است. همهٔ این‌ها بخاطر ثمرات یقین و اطمینان به آخرت است.

6ـ تعلق خاطر به غیر خداوند: تعلق به غیر خداوند، خداوندی که همه آسمان‌ها و همه گنجینه‌ها و هستی در دست اوست، هیچ چیز در آسمان و زمین وجود ندارد که با او برابری کند و او بر همه چیز قادر و تواناست.

هرکس در قلبش عقیده به معانی ربوبیت و الوهیت و اسماء و صفات مستقر شده باشد و به آن به طور شایسته ایمان داشته باشد، قلبش به مخلوقات ضعیف، عاجز و ناقص که اولش نطفهٔ ناچیز و آخرش جنازهٔ متعفن میشود، تعلق پیدا نمیکند.

آیا شایسته است که فرد عاقل قلبش به مردهٔ ناتوان تعلق خاطر داشته باشد و خداوند متعال همیشه زنده و پایدار را رها کند؟!

درخواست کمک و طلب از غیر خدا و تعلق خاطر به مادیات و ظواهر دنیا و اعتماد بر آن‌ها و هر آنچه که مردم به سحر توجه میکنند و از آن‌ها درخواست شفاء و حل مشکلات‌شان میکنند و به فریاد خواندن مردگان و توسل به آن‌ها، نشانهٔ از نشانه‌های ضعف یقین به خداوند متعال است.

7- کاهش صبر نسبت به بلاء و مصیبت: آدمی را همیشه در حال شکایت می بینی و حال اینکه آن برخلاف باوری است که ایمان‌داران به پاداش. خداوند متعال در مورد صابرین میفرماید:

(إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ). "زمر/10"

هرآیینه به صبر کنندگان اجر و پاداشtargets به تمام و کمال و بدون حساب داده میشود.

و خداوند متعال با آن‌هاست.

8ـ ترجیح دادن رضایت مخلوق به رضایت خالق: چنین انسانی بیشتر از مخلوق میترسد، نسبت به خداوند، از مخلوق امید بیشتری دارد.

با این وجود اگر به این امر می اندیشید، میدانست که این مخلــوقی که بـدان امیـد دارد و از آن میترسد، به دست خداوند متعال خلق شده است و نمی تواند کاری انجام بدهد مگر با اراده و خواست خداوند متعال.

پس عظمت خداوند متعال را در قلبت بالاتر و بزرگتر از هر چیز قرار بده، همه چیز نسبت به خداوند متعال حقیر و کوچک است.

پس هرگاه همسرت یا رئیست یا هرکس دیگر، از تو درخواست کاری حرام داشتند، با تمام صراحت و بدون خجالت به آن‌ها بگو «رضای خداوند متعال بالاتر از همه چیز است». پس هرکس برای راضی کردن مردم، خداوند متعال را ناخشنود کند، به خاطر ترس از آن‌ها و امید به آن‌ها بوده است و هرکس به خاطر آن‌ها واجبی را ترک کند و حرامی را به خاطر جلب رضایت آن‌ها انجام دهد، به خاطر ضعف یقین او است.

9ـ وقت تلف کردن: بدون اینکه فایده یا نتیجهٔ امیدوار کنندهٔ داشته باشد چه در سطح فردی و چه در سطح امت اسلامی، بسیاری از پسران و دختران جوان را می بینی که وقت‌شان را صرف خواندن مجله-های بیهوده و شعرهای نامناسب میکنند و مشغول تماشا کردن شبکه‌های ماهواری حرام و فریبنده و هر آنچه که باعث غضب پروردگار میشود، هستند.

اگر آن‌ها به حقیقت آنچه که بر سرشان در آخرت، قبر، و فشار آن، تنهایی در روز حساب، سختی محشر، وحشت روز قیامت، جهنم و آتش و... فکر میکردند، هرگز قدم در کاری برنمیداشتند که باعث اتلاف وقت‌شان شود و در دنیا و آخرت‌شان فایده نداشته باشد.

به همین خاطر این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم را یادآوری میکنم که میفرماید: (لا تزول قدما عبد یوم القیامه حتی یسأل عن عمره فیم أفناه، و عن عمله فیم فعل فیه و عن ماله: من أین اکتسبه و فیم أنفقه، و عن جسمه فیم أبلاه).

بندهٔ روز قیامت قدمی برنمیدارد، مگر اینکه از عمرش سوأل میشود که در چه راهی صرفش کردی و از علمش پرسیـده میشود کـه آن را در چه راهی صرف کردی و از مالش پرسیده میشود که از چه راهی آن

را بدست آوردی و در چه راهی آن را انفاق کردی و از جسمش پرسیده میشود که در چه راهی فرسوده-اش ساختی.

و سبحانک اللهم و بحمدک نشهد ألا إله إلا أنت نستغفرک ونتوب إلیک

مؤلف:شیخ خالد حسینان (تقبله الله" – مترجم:"صادق مهاجر"

داستان مسلمان شدن ایاس بن معاذ رضی الله عنه

محمود بن لبید می‌گوید: وقتی که ابوالحیسر انس بن رافع به همراه تعدادی از جوانان بنی عبد الاشهل به مکه آمدند و ایاس بن معاذ رضی الله عنه در میان آن جوانان بود، خواستند که قریش را بر ضد قومشان خزرج هم پیمان خود سازند، یعنی آنها آمده اند واز قریش میخواهند که در جنگی که «میان آنها با پسر عمو هایشان از خزرج در گرفته است»، آنها را یاری دهد، پیامبرصلی الله علیه وسلم از آمدن آنها آگاه شد و نزد آنها آمد و با آنها نشست. و به آنها گفت: «آیا شما می‌خواهید به چیزی بهتر از آنچه که برای آن آمده‌اید، دست یابید؟» به او گفتند: آن چیست؟ گفت: «من رسول الله هستم که الله مرا به سوی بندگان فرستاده است، آنها را به اینکه الله را عبادت کنند و چیزی برای او شریک قرار ندهند، دعوت می‌کنم و کتابی را بر من نازل کرده است». (راوی) گوید: سپس اسلام را برای آنها ذکر کرد و آیاتی از قرآن را برای آنان تلاوت کرد. گوید: ایاس بن معاذ رضی الله عنه که نوجوانی بیش نبود، گفت: ای قوم من، بخدا این بهتر از آن چیزی است که بخاطر آن آمده‌اید.

(راوی) گوید: آنگاه ابولحیسر انس بن رافع مشتی از خاک بطحاء برداشت و آن را به صورت ایاس بن معاذ زد و گفت: کاری به ما نداشته باش، به جان خودم سوگند که برای کار دیگری آمده‌ایم.

(راوی) گوید: ایاس ساکت شد. و رسول خداصلی الله علیه وسلم از میان آنان برخاست و آنگاه به مدینه بازگشتند و جنگ بعاث میان اوس و خزرج روی داد.

(راوی) گوید: دیری نگذشت که ایاس بن معاذ از دنیا رخ بربست. محمود بن لبید گوید: جماعتی از قومش که هنگام وفاتش در نزد او بودند، برای من بازگفتند که: آنها پیوسته از او می‌شنیدند که لا اله الا

الله و الله اکبر و الحمدلله و سبحان الله. می‌گفت، تا اینکه وفات نمود. آنها شکی نداشتند، که وی در اسلام وفات کرده است. زیرا وی اسلام را در آن مجلس احساس کرده بود، هنگامی که آن حرفها را از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنید.

"ابن اسحاق، ابن هشام"

نکته‌ها و عبرتها:

1ـ یکی از وسایل دعوت، رفتن به مجالس و اماکن حضور کسانی است که می‌خواهیم آنها را دعوت دهیم، تا بتوانیم دعوت و خیر را به آنها برسانیم.

2ـ بر شخص دعوتگر لازم است که در دعوت به سوی توحید و پرهیز از هر آنچه که ضد آنست اهتمام نماید.

3ـ تذکر و یادآوری به قرآن و استناد به نصوص آن و نصوص سنت مصطفی صلی الله علیه وسلم از مهمترین وسایل دعوت می‌باشد. الله تعالی فرموده است: (فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ). (ق: ۴۵)

(پس به [وسیله] قرآن هر که را از تهدید [من] می‌ترسد پند ده).

4- پیروی از شریعت الله و یاری دینش از بزرگترین عوامل پیروزی است. همچنانکه خداوند متعال می‌فرماید: (وَلَيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ). "حج/40"

و هرآيينه خدا به کسی که [دين] او را ياری می‌کند ياری می‌دهد چرا که خدا سخت نيرومند شکست ناپذير است.

بدون شک این امر از بستن معاهده و پیمان با انسانها برتر است و به همین خاطر است که رسول الله صلی الله علیه وسلم ـ چنانکه در این حدیث آمده است ـ فرمود: «آیا شما می‌خواهید به چیزی بهتر از آنچه که برای آن آمده‌اید، دست بیابید؟»

5ـ تحمل اذیت بخاطر الله تعالی یکی از اخلاق ایمانداران و دعوتگران صابر و شکیبا و یکی از اسباب ثبات و پایداری بر دین الله تعالی است.

6ـ هرکس که بر دین الله تعالی ثابت و استوار بماند و بسوی آن فرا بخواند و بر اذیتهایی که در راه آن

حاصل می‌شود، صبر کند، شایسته است که عاقبت به خیر باشد، چنانکه ایاس بن معاذ به این خاتمهٔ نیک دست یافت.

"داستان اسلام صحابه/101"

قاری صلاح الدین: عملیات دشمن در ولایت فاریاب با شکست سختی مواجه گردید.

خوانندگان محترم ! در این اواخر در مناطق مختلف کشور از طرف دشمن یک سلسله عملیات آغاز گردیده است، در این جریان دشمن در مناطق مختلف ولایت فاریاب نیز عملیاتی را آغاز نموده بود، که بیشترین تمرکز آن در ولسوالی پشتون کوت این ولایت بود، اینکه دشمن در این منطقه با شکست روبرو گردیده است، مصاحبهٔ را با مسئول عمومی ولایت فاریاب قاری صاحب صلاح الدین ایوبی انجام داده ایم که توجه شما را به آن معطوف میداریم.

سئوال: قاری صاحب! اگر اول خودتان را معرفی نمائید؟

جواب: الحمد لله وحده والصلوة والسلام علی من لا نبی بعده وعلی اله واصحابه اجمعین امابعد:

نام من قاری صلاح الدین باشندهٔ ولسوالی المار ولایت فاریاب می باشم و هم اکنون در تشکیلات امارت اسلامی به حیث مسئول جهادی این ولایت ایفای وظیفه می کنم.

سئوال: قاری صاحب محترم! در مورد حوادث اخیر ولایت فاریاب معلومات دهید؟

جواب: در این اواخر از طرف دشمن در مناطق مختلف ولایت فاریاب بر خلاف مجاهدین عملیات شدیدی آغاز گردیده بود، دشمن در این مناطق تلاش نمود تا به ساحات و مناطق تحت کنترول مجاهدین نفوذ نموده و داخل گردند و ساحهٔ کنترول خویش را وسعت دهند، مگر لله الحمد در نتیجهٔ مقاومت بی مثال و شجاعت مستحکم مجاهدین تلفات سنگینی به دشمن وارد گردید، مجاهدین در مدت چهار روز گذشته درگیری شدیدی با دشمن انجام دادند، دشمن تمام قوت و نیروی خود را استعمال نمود ولی

نتوانست مجاهدین را عقب زده و پیشروی نماید، و سرانجام مجاهدین شب شنبه در مناطق اودک، کته لبی و بعضی مناطق دیگر ولسوالی پشتون کوت بر دشمن حملات تهاجمی انجام دادند که در این حملات 10 تن عساکر دشمن هلاک گردیده و 15 تن دیگر زخمی شدند و بشمول 4 تانک 2 عراده رینجر تخریب شدند ، علاوتا 3 عراده موتر سایکل و تعداد کثیری مهمات و سلاح به دست مجاهدین غنیمت افتاد، همچنین یک تعداد عساکر دشمن نیز به دست مجاهدین اسیر شده اند و دشمن مجبور به فرار وترک منطقه گردید.

باید بگویم قبل از این نیز در جنگ سه روزه در منطقهٔ سرحوض ولسوالی پشتون کوت 2 تانک دشمن و یک عراده رینجر آنها از بین رفت، وعلاوتا 17 تن از عساکر دشمن زخمی گردیده بود، همچنین در درگیری دو روزه در منطقهء میان دره 30 تن از عساکر دشمن هلاک گردیده و 25 تن دیگر زخمی شدند و یکتعداد تانک و موترهای رینجر دشمن تخریب شدند.

این از جمله تلفاتی و خساراتی است که دشمن در مورد آن سکوت نموده و مطبوعات نیز در این مورد چیزی نشر نکرده اند، لله الحمد بدین ترتیب عملیات مشترک اردو، پولیس، اربکیان با حمایت و همکاری اشغالگران خارجی بطور مکمل با شکست مواجه گردید و بدون شکست و شرمساری چیزی نصیب شان نگردید، در این درگیریهای چهار روزه تنها یک مجاهد شهید گردیده و 2تن دیگر زخمی شدند ، الحمد لله دیگر هیچگونه تلفاتی نداشته ایم.

سئوال: شما این شکست و ناکامی عملیات دشمن را چه اندازه مهم می پندارید؟

جواب: این عملیات را دشمن بعد از یک سلسله امادگی ها و تهیه تدارکات انجام داد ، قبل از این نیز دشمن پروگرامهای مختلفی را تحت نامهای گوناگون ایجاد کرده و تمام نیروهای خود را جمع کردند ، حتی افراد دوستم را نیز زیر نام جنبش جمع کردند، اربکی ها را نیز منسجم کردند تا بدین ترتیب بتوانند مجاهدین را از این مناطق بیرون کنند، اما لله الحمد دشمن نتوانست حتی یک قدم پیشروی نماید و نه توانستند یک وجب زمین تحت کنترول مجاهدین را قبضه کند، بلکه مجاهدین توانستند که به کمک و نصرت الله تعالی و همکاری مردم و شهامت مجاهدین درس عبرتناکی را به دشمن بدهند، این آخرین

توان و قوت دشمن بود و انشاء الله دیگر جرات نخواهند کرد که عملیات دیگری را بر ضد مجاهدین انجام دهند.

سئوال: محترم قاری صاحب! شما از جنگها و درگیری با دشمن معلومات ارائه کردید، اگر در مورد موفقیت ها و جریانات جهادی معلومات دهید، خرسند خواهیم شدیم؟

جواب: تشکر برادر، من فقط میخواهم که در مورد عملیاتهای مهم ماه جون سال 2013 میلادی معلومات مختصر ارائه کنم، در جریان این ماه مجاهدین ولایت فاریاب تقریبا 50 عملیات بر دشمن انجام داده اند ، که در این سلسله در پشتون کوت تعداد کثیری از تانکها و موترهای رینجر دشمن از بین رفته است ، یکی از اشخاص مهم دشمن بنام ارسلان از بین رفت و قومندان ودود در جنگ زخمی شد، عملیات چهار روزهء دشمن با شکست مواجه گردید و تلفات سنگینی به دشمن وارد گردید ، یونس رئیس قومندان امنیه اندخوی همراه با 15 تن از افرادش به هلاکت رسید ، و سفر رئیس قومندان اربکی های منطقه قرمقل ولسوالی اندخوی نیز در یکی از حملات زخمی شده و علاوتا در قیصار 7 پوستهء دشمن از جانب مجاهدین فتح گردید ، دو تن از قومندانان ظالم بنامهای میرعلم و قمر از بین رفتند ، همچنین در ولسوالی المار دو تن از قومندانان دشمن بنامهای قومندان غلام و قومندان شاه ولی در حملات مجاهدین به هلاکت رسیدند، در مناطق دیگر فاریاب نیز عملیات جریان داشت و افراد مهم دشمن یا کشته شده ویا هم زخمی شده اند.

از شروع عملیات خالد بن ولید مجاهدین در فاریاب موفقیت های بزرگی را بدست اورده اند و تلفات سنگینی به دشمن وارد گردیده است ، در این سلسله قومندان قول اردوی 209 شاهین در ولایت فاریاب در حملات مجاهدین چنان زخمی شده است که دیگر از فعالیت باز مانده است ، همهء اینها نشانه های نصرت الهی و همکاری مردم و رشادت مجاهدین منطقه و ولایت است.

سئوال: قاری صاحب! شما در مورد فتوحات اخیر مجاهدین معلومات خوبی را ارائه نمودید، اگر در مورد وضعیت عمومی جهاد در ولایت فاریاب معلومات دهید؟

جواب: در ولایت فاریاب؛ لله الحمد وضعیت بسیار مناسب است و نسبت به هر وقت و زمان دیگر مجاهدین در وضعیت و مورال بهتری قرار دارند ، اشغالگران خارجی به فرار و ترک این ولایت مجبور

شده اند ، در بیشتر ولسوالی های ولایت فاریاب مثل قیصار، المار، پشتون کوت، خواجه موسی، لولاش، بندر، دولت اباد ، شیرین تگاب و اندخوی مجاهدین در بیشتر از 90 در صد خاک این ولسوالی ها کنترول دارند ، موجودیت و حضور دشمن تنها در مراکز ولسوالی ها و قرارگاه ها محدود است و در بعضی از شاهراه ها نیز پوسته های را اعمار کرده اند.

ملت و مردم ولایت فاریاب به طور کامل از مجاهدین حمایت می کنند و در کنارشان هستند ، طوریکه در عملیاتهای اخیر مرد و زن خورد و کلان همه و همه در کنار مجاهدین ایستاده بودند و در مقابل دشمن به جنگ و مقاومت پرداختند و به دشمن اجازه ندادند که به مناطق آزاد شده داخل گردد، مردم ولایت فاریاب که در زمانهای گذشته از وجود تفنگ سالاران و جنگ سالاران محلی رنج ها دیده و مشکلات کشیده اند ، اکنون تنها مجاهدین را حافظان دین ، عزت و خاک خویش میدانند ، و برای همین منظور به انها در آغوش خویش جای می دهند.

علی الرغم اینکه دوستم ، عطا محمد نور و دیگر قومندانان فاریاب در پروسهء اربکی سازی تلاشهای زیادی را بخرج دادند ولی مردم فاریاب جواب دندان شکن منفی دادند و خواسته های آنها را نپذیرفتند.

مردم فاریاب از دشمن نفرت دارد ، اگر از طرف دشمن کسی به هلاکت برسد ، مردم برای جنازه وتدفین او نمی روند ، حتی در مناطقی که در تسلط دشمن است مردم در جنازه و تدفین عساکر حکومتی و اربکی شرکت نمی کنند ، چندی قبل در ساحه تحت نفوذ دشمن تعدادی از اربکی ها به هلاکت رسیدند ، ملا امامان منطقه به مردم گفتند که در جنازه انها شرکت نکنند ، حکومت در مقابل این اقدام ملا امامان، مدارس را بستند و ملاامامان را به زندانی کردن تهدید کردند ، اما مردم منطقه به حکومت اخطار دادند که اگر مدارس را اجازه ندهند ، همه قیام خواهند کرد و دشمن از ترس قیام مردم از آزار و اذیت مردم دست کشیدند.

سئوال: در اخیر به حیث مسئول جهادی ولایت فاریاب چی پیامی برای مردم دارید؟

جواب: من فقط میخواهم که برای مردم و ملت شما چند کلام صحبت کنم ، انها باید دوست و دشمن خویش را بشناسند ، یکتعداد از جنگ سالارانی که یک دهه با سرنوشت مردم بازی کردند و در این اواخر دوست و همکار کفار امریکایی بوده اند ، اکنون یکبار دیگر می خواهند تلاش کنند تا برای منافع

شخصی خویش ملت و مردم شمال را برای یک جنگ ذات البینی استعمال کنند ، اما ملت مسلمان و فهمیدهء شمال باید این دشمنان خود وملت را بشناسند ، همانگونه که اکنون نیز اکثریت مردم انها را می شناسند و به چشم دشمن به انها می نگرند ، باید در شناخت انها بیشتر دقت کنند ، همانند دوستم و قومندانان دیگر انها ، این افراد یکبار در خدمت روسها ، مردم و ملت خویش را به شهادت رساندند و اکنون در خدمت امریکا با ملت و مردم دشمنی می کنند، این دشمنان اسلام و ملت تبلیغات دروغینی را به کار انداخته اند که گویا جنگجویان ولایات وکشورهای دیگر به ولایت فاریاب امده اند ، مگر مردم این ولایت به چشم سر مشاهده می کنند که مجاهدین این ولایت برادران و فرزندان خود انها هستند ، همین اکنون در ولایت فاریاب ما به تعداد هزارها مجاهد داریم که باشندگان این ولایت می باشند و تمام هموطنان ما انها را می شناسند.

مردم ولایت فاریاب باید به تبلیغات جنرال دوستم ، عطا محمد نور، وکیل فتح الله ، رئیس رحمت ، جنرال فاروق و دیگر جنگ سالاران فریب نخورند ، این همان افرادی هستند که همیشه مردم خویش را برای اهداف اجنبی ها قربانی نموده اند و اکنون یکبار دیگر می خواهند جوانان مسلمان ما را برای اهداف کفار در مقابل ما به جنگ وادار کنند.

ملت ما باید آنها را شناخته و به دیدهء دشمنان دین و وطن به آنها نگاه کنند، همچنین مجاهدین را بحیث برادران و فرزندان مخلص خویش درآغوش خویش جای دهند و با آنها ازهر گونه همکاری و کمک دریغ نکنند.

"امارت اسلامی افغانستان"

شهید استاد محمد (خالد) فدایی رحمه الله

این برادر مجاهد از کشور ایران میباشد، درین اواخر به صفوف مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان پیوسته به جهاد خویش ادامه داد.

این برادر؛ یک مجاهد زاهد، دلیر و دارای اخلاق حمیده بود، وچند ماه را در مرکز فدائیان حرکت اسلامی ازبکستان منحیث استاد سپری نمود.

وی در دوران جهاد خویش در بسیاری از جنگها علیه فوج مرتد پاکستان، افغانستان، ویهود ونصاری اشتراک ورزید.

همین بود که دریک عملیات بزرگ علیه عساکر افغانی و امریکایی در افغانستان با برادران مجاهد خود اعم از مهاجر و انصار اشتراک ورزیده، بالآخره باچند برادر خود در عملیات مذکور در ماه رجب سال 1434 هـ ق جام شهادت را نوشیدند.

انا لله و انا الیه راجعون

شهید نیاز محمد (انصاری) رحمه الله

این برادر مجاهد باشندۀ ولایت کندز ولسوالی قلعۀ زال میباشد.

وی در وزیرستان آمده تعلیمات نظامی را فراگرفت، بعداز فراگیری تعلیمات نظامی دوباره عازم افغانستان شده با برادران مجاهد خود یکجا به جهاد خویش ادامه داد.

وبالآخره بنا به قدر الهی در ماه شعبان سال 1434 هـ ق در ولسوالی قلعۀ زال ولایت کندز با چند تن از برادران مجاهد وانصار خود جام شهادت را نوشیدند.

اناالله وانا الیه راجعون

شهید قاری شمس الدین (عبدالرحیم) رحمه الله

این برادر باشنده ولایت کندز ولسوالی دشت ارچی میباشد. وی نیز در سال 1431 هـ ق در ولسوالی چهاردره ولایت کندز بامجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان یکجاشده به جهاد خویش ادامه داد.

همین بود که در یک عملیات مشترک نیروهای ناتو وافغان اشتراک ورزیده از ناحیۀ شانه زخم برداشت، وبعداز صحت یافتن نیز شوق جهاد وی را مجبور ساخت که عازم وزیرستان شده در نزد استادان حرکت

اسلامی ازبکستان تعلیمات سلاح ها و متفجرات را فراگرفته دوباره به افغانستان رفته در ولسوالی قلعۀ زال ولایت کندز با یازده برادر خود درروز جمعه بتاریخ دوازدهم ماه شعبان 1434 هـ ق به شهادت رسیدند.

اناالله وانا الیه راجعون

شهید قاری عبدالستار (عبدالرحمن) رحمه الله

این برادر از ولایت کندز ولسوالی دشت ارچی میباشد. وی یک جوان زکی، شجاع و با احساس بود، و در سال 1431 هـ ق در ولسوالی چهاردرۀ ولایت کندز با مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان یکجاشده، در بسیاری از جنگ ها علیه عساکر آلمانی و مرتدین داخلی اشتراک نموده بود.

بالآخره در سال 1434 هـ ق عازم وزیرستان شده از نزد استادان مجرب حرکت اسلامی ازبکستان علم متفجرات، وغیره سلاح ها را فرا گرفته دوباره عازم افغانستان شده در ولسوالی قلعۀ زال ولایت کندز به جهاد خویش ادامه داد.

وسرانجام بعداز فتح یک پوسته دشمنان اسلام در محاصره دشمنان اسلام قرار گرفته بعداز مقاومت شدید با یازده برادر خود در روز جمعه بتاریخ دوازدهم ماه شعبان 1434 هـ ق به شهادت رسیدند.

اناالله وانا الیه راجعون

شهید حزب الله (عبدالقیوم) سرپلی رحمه الله

این برادر نوجوان از ولایت سرپل ولسوالی کوهستانات میباشد، حسن سلوک و اخلاق حمیده داشت.

وی بعداز سپری نمودن دوران کودی آغوش پدر مهربان و مادر دلسوزش را ترک گفته عازم پاکستان شده به تعلیمات علوم دینی پرداخت.

وی در دوران تحصیلش به حالت امروزی جهان اسلام یکبار ژرف نمود، که کفار جهان مسلمانان را در تحت تسلط خود قرار داده، و مقدسات اسلام را زیر پا کردند.

همین بود به فرمان الله سبحانه وتعالی لبیک گفته در جوار سربازان اسلام قرار گرفت.

وبالآخره در ولایت سرپل در ماه شعبان سال 1434 هـ ق در یک جنگ روبروی با دشمنان اسلام به شهادت رسید.

انالله وانا الیه راجعون

"ادارۀ جند الله"

إِنَّ اللّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ

الحمد لله والصلوة والسلام علی رسول الله وعلی آله وصحبه ومن والاه اما بعد:

اعوذ باالله من الشیطان الرجیم – بسم الله الرحمن الرحیم – (إِنَّ اللّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلاَ مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِ مِن وَالٍ). "سورة رعد آیه **11**"

یعنی خداوند متعال حال امن عافیت قومی را به آفت ومصیبت تازمانی تبدیل نخواهد کرد که خود آن قوم اعمال واحوال خودرا به بدی وفساد تبدیل نکند، وهر گاه او احوال خود را به سر کشی ونافرمانی تبدیل نماید، پس خداوند متعال هم روش خود را تغیر میدهد واین ظاهر است که هرگاه الله تعالی نسبت به کسی بدی بخواهد وبخواهد او را تعذیب کند پس هیچ کس نمی تواند آنرا بر طرف کند ونه کسی میتواند برخلاف حکم ربانی از اوحمایت کند.

پس از این آیت واضح گردید زمانیکه بلا ومصیبت وزنده گی ذلت بار دامنگیر قومی گردید، به این معنی است که در احوال آن قوم دگرگونی آمده، نسبت به شریعت الهی کوتاهی از آن قوم سر زده ودر برابر احکام خداوندی بغاوت ونافرمانی کرده تا زمانیکه آن قوم احوال خود را صحیح نکند وکاملاً به دین الهی عمل نکند، این مصیبت وذلت ورسوائی از زنده گی آن قوم دفع نمی گردد. یعنی یگانه راه نجات ازاین مصائب گوناگون، اصلاح اعمال وتقوا از الله تعالی است .

پس ای امت اسلام! امروز در عصر حاضر ما وشما مسلمانان در تمام کرۀ زمین به مصیبت های مختلف مبتلا هستیم وهمه افراد این امت اعم از مرد وزن پیر وجوان واطفال درنقاط دنیا توسط یهود ونصاری وهمکاران شان به جرم مسلمان بودن اسیرمیگردند، در تحت زولانه ها قرار گرفته شکنجه وتعذیب

میشوند وظالمانه ووحشیانه به قتل میرسند واموال شان به غارت برده میشود ونوامیس شان مورد تجاوز وحشیانه قرار گرفته بی عزت میشوند، علت چیست؟

علت این است که ما وشما از دین حق فاصله گرفته واز اسلام وقرآن بیگانه شدیم واز عمل به قر آن وسنت شانه خالی نمودیم وجهاد درراه خدا را ترک کردیم وفقط به نام اسلام وبنام مسلمان بودن اکتفا نمودیم ونتیجه این شد تا به این مصائب وذلت گرفتار شدیم وتمام عزت وآبروی ما از سوی دشمنان ما وشما پامال شد، پس بیائید یک بار دیگر بسوی الله جل جلاله وقرآن متوجه شویم که الله جل جلاله وقرآن، من و شما را بسوی کدام چیز دعوت میدهد وبه کدام چیز حکم میکند. قر آن امت اسلام را بسوی عمل دعوت میدهد وبسوی جهاد فی سبیل الله امر میکند که امروز فرض عین است؛ زمانیکه به دعوت الله وقرآن لبیک گفته به میدان عمل که جهاد فی سبیل الله است، گام بر داریم وقربانی دهیم وبه مانند نیاکان خود برای یهود ونصاری ومزدوران خبیث شان درس عبرت دهیم درنتیجه الله تعالی از این حیات ذلت بار نجات میدهد ویک بار دیگر به منزلۀ مسلمانان صدر اسلام، عزت وغلبه بالای دشمنان اسلام نصیب ما وشما خواهد شد. اگر کسی جهاد جانی کرده نتواند، باید برای مجاهدین کمک مالی نماید وبرای مجاهدین جا دهد، ونشریات مجاهدین را برای امت رسانده وایشان را بسوی کمک به مجاهدین تشویق نماید.

قال الله تعالی: (وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلاَمَ اللّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاَّ يَعْلَمُونَ). "التوبة/6"

در این آیت کریمه الله تعالی برای رسول الله صلی الله علیه وسلم خطاب میکند، اگر یکی ازمشرکین طلب امان کند از تو پس امن بده حتی اینکه بشنود کلام الله را، بعد از آن برسان آنرا در موضع امنش.

ازاین آیت چند شرائط امن دادن برای کافر حربی را دانسته میشود :

1 – کافر حربی بدون اجازۀ حکومت اسلامی (بدون ویزه) نمیتواند داخل خاک اسلام شود.

2 – وقتیکه برای کافر حربی امن داده شد: مدت امن دراین آیت چنین بیان شده است: حتی یسمع کلام الله. یعنی اورا به نزد خود تامدتی اقامت بدهید که او کلام الله را بشنود.

3 – درتفسیر معارف القرآن نوشته شده است که از فرائض حاکم وامیر مسلمانان این است که کافر حربی همراه اجازه وویزه در کشور اسلام داخل شود باید بر اوضاع او کنترول کند. و وقتی که نیاز های خود را پوره کند پس برگرداند

4 – در هدایه جلد 2 صفحهٔ 563 نوشته شده است: (واذا دخل الحربی الینا مستأمنا لم یمکن ای یقیم فی دارنا سنة ویقول له الامام ان اقمت تمام سنة وضعت علیک الجزیة). یعنی وقتیکه کافر حربی بطور مستأمن در دار اسلام داخل شود، برایش ممکن نیست یک سال را داخل کشور اسلامی سپری نماید وحاکم وقت مسلمانان برایش میگوید اگر تو یکسال مقیم میشوی بالای تو جزیه را وضع مینمایم.

امام ابن کثیر رحمه الله در تفسیر ابن کثیر نوشته کرده اگر کسی از دار حرب یعنی کشور کفری به دار اسلام میآید، بخاطر ادای رسالت یا تجارت یا طلب صلح یا بخاطر حمل جزیه، از حاکم اسلام ویا نائب آن طلب امن کند برایش امن داده میشود. مادامیکه در دار اسلام مؤقتی باشد، تااینکه رجوع کند بسوی وطنش ولیکن علماء گفته اند جائز نیست برای کافر حربی امکان اقامت یکسال در دار اسلام وجائز است تا چهار ماه اقامت کند.

پس ازاین شرائط امن دانسته شد که دخول آمریکا ومتحدینش در خاک افغانستان، عراق وغیره کشور ها.... بخاطر امان نیست. زیرا امریکا ومتحدینش به همکاری کفار داخلی به زور کروز میزائل وطیارات B52 و F16 حکومت بر حال اسلامی را یعنی امارت اسلامی افغانستان را سقوط داده داخل خاک اسلام شدند. دوازده سال میشود از خاک منحیث پایگاه نظامی با مسلمانان افغانستان وغیره، مصروف جنگ هستند. وکنترول تمام افغانستان را به زور به دست دارند ونظام غربی را دراینجا حاکم ساختند. پس دخول امریکا وسائر کفار در افغانستان وغیره ممالک اسلامی از نگاه اسلام یک اشغال وتجاوز آشکار است. بالای مسلمانان فرض عین است ازخاک اسلام باجان ومال در برابر اشغالگران ومتجاوزین وحشی دفاع نمایند.

امروز همان وعده ی الهی در حال محقق شدن است به شرطی که ملت مومن دست در دست یکدیگر بگذارند و در یک اقدام عملی و انقلابی قدم آمریکا و قوای متحد اشغالگر را قلم و حکومت دست نشانده غربی ها را سرنگون و عزت تاریخی دیگر برای ملت قهرمان خویش رقم بزنند ؛ پس به امید

روزی که همه امید ما به خدا باشد و همه ما یکی باشیم و ملت مسلمان عزیزترین ملت های انقلابی شناخته شود و دشمنان خارجی و داخلی ما خوار وزبون ورسوای عالم گردند!

ومن الله التوفیق

"مولوی مسلم حفظه الله"

مسلمانان برما در میان شعله های آتش!؟!

بیش از دو قرن می شود که مشکلات و تکالیف مسلمانان برما ادامه دارد، از همان روزیکه بتاریخ 1784 میلادی حاکمیت برما از جانب انگلیس ها به بودائیان سپرده شده است تا به امروز سلسلهٔ آزار و اذیت مسلمانان در برما جریان دارد؛ سلسلهٔ تازهٔ قتل و کشتار دسته جمعی مسلمانان برما در شعله های آتش از تاریخ 3 ماه جون سال 2012 میلادی آغاز گردیده است، مردم، خانه ها، مراکز تجارتی بیشماری در آتش این نسل کشی کباب شدند و صدها هزار تن دیگر مجبور به ترک خانه، کاشانه و دیار خویش گردیدند.

بتاریخ 29 می 2013 میلادی بودائیان یکبار دیگر به آتش زدن و سوختاندن خانه ها، مدارس، مکاتب، مساجد، دوکانها ومراکز تجارتی مسلمانان این کشور را آغاز کردند.

متاسفانه این وحشت درحضور وموجودیت حکومت، اردو وپولیس برما انجام می شود وآنها نظاره گر این سوانح هستند! در ماه مارچ گذشته یعنی حدود دو ماه قبل نیز از جانب این درندگان وحشی حملات بی رحمانهٔ بر مسلمانان این کشور شدت گرفت که افراد بسیاری را به شهادت رساندند!!

نفوس مسلمانان برما بین ده تا پانزده میلیون است که از این تعداد تنها چهار میلیون در ایالت اراکان زندگی می کنند و بقیهٔ آن در ایالتهای مختلف این کشور ساکن هستند، مسلمانان از مجموع شصت میلیون نفوس این کشور 20٪ را تشکیل می دهند، اما جای بسا تعجب است که بعضی حلقات، مسلمانان این کشور را باشندگان و ساکنان اصلی این کشور به حساب نمی آورند، بلکه تحت یک پلان مشترک از جانب راهبان بودائی، عناصر شرور و ارگانهای حکومتی به شکل هدفمند در انظار

عمومی جهانیان به شکل دسته جمعی نسل کشی و قتل عام می شوند، و در آتش سوختانده می شوند! حتی کودکان خردسال و زنان نیز به شهادت می رسند، خانه ها، مدارس و مساجد ویران گردیده و به شکل گروهی مجبور به مهاجرت و ترک سرزمینهای خویش می گردند.

ما به اصطلاح در جهان متمدن کنونی زندگی می کنیم، زمانی که در یک حادثهٔ نه چندان مهم، زیانهای معمولی به ملتهای غیر مسلمان وارد گردد، در پی آن زمین و آسمان به صدا آمده و یک صد و شصت سازمان و نهاد حقوق بشری پیدا و اشکار می شوند، حکومتها و تنظیمهای سیاسی و مدنی به محکومیت آن بر پا می خیزند و از طرف کشورهای اسلامی نیز پیامهای همدردی تقدیم می شود، اما زمانی که هزارها تن از مسلمانان در شعله های آتش به شکل گروهی و هدفمند سوزانده می شوند، ملت مسلمان جهان که در خواب غفلت بوده و صرفا به ساز و سرود غربیها به حرکت می ایند و بس؟!!!.

ما این عملکرد بودائیان کشور برما را به شدت محکوم می کنیم، و در جهان از جامعه بین الملل و کنفرانس کشورهای اسلامی، حکومتهای صلح دوست، سازمانهای حقیقی حقوق بشر، اشخاص با نفوذ وحکومتهای اسلامی امید داریم که در این لحظات سخت ودردناک در کنار ودر حمایت از ملت مظلوم و مسلمان برما بایستند، وبر اساس حس بشری وهمزیستی به بودائیان برما توصیه نمایند که از اینگونه اعمال وحشی وغیر انسانی دست بردارند، زیرا این در سطح جهانی تنفر و انزجار را بر علیه بودائیان برما تحریک می کند، وعلاوتا سبب تضاد وکشمکش بین جهان اسلام وبودائیزم خواهد گردید وعواقب خطرناکی را در پی خواهد داشت.

(امارت اسلامی افغانستان)

از صحنه های جهاد

دمشق: بیش از 300 تن از نیروهای مرتد اسد در حملات مجاهدین کشته و زخمی شدند

چهارشنبه, 25 ثور 1392: به گزارش برخی از خبرگزاری‌ها بیش از 300 تن از سربازان مرتد اسد در حملات مبارزان صبح روز سه شنبه کشته و زخمی شدند .

پس از درگیری شدید میان نیروهای انقلابی و نیروهای مرتد اسد در شهر افرا در دشت بردی اطراف دمشق 300 تن از سربازان اسد کشته و زخمی شدند همچنین انقلابیون توانستند سه تانک و یک خود روی حامل دوشگا را منهدم کنند.



این در حالی است که فعالان سوری اعلام کردند که از زمان شروع درگیری‌ها در سوریه، تاکنون بیش از 35000 نفر از نیروهای مرتد اسد توسط انقلابیون به هلاکت رسیده اند.

در حملهٔ استشهادی در کابل 6 تن کشته و 35 تن دیگر زخم برداشتند

پنجشنبه ٢٦ ثور ١٣٩٢: بر اساس خبرهای رسیده از ولایت کابل، امروز حوالی ساعت 8 صبح یک حملهٔ استشهادی در سرک دوم شاه شهید از مربوطات حوزه هشتم امنیتی رخ داد .

هدف این حمله کننده کاروان نیروهای اشغالگر خارجی بود که در آن تقریباً 6 تن کشته ودست کم 35 تن دیگر زخم برداشتند .

یک مقام محلی به رسانه گفت که در این حادثه 3 عسکر اشغالگر کشته و دو موتر زرهی ایشان نیز کاملا از بین رفته است .

درهمین حال هارون زرغون سخنگوی حزب اسلامی مسؤلیت این رویداد را به عهده گرفته وگفته است که این حمله ازسوی یکی از استشهادیان این گروه بنام قدرت الله که باشندهٔ ولایت لوگر میباشد، صورت گرفته است. وی همچنان در ادامه افزود که دراین حادثه دو موتر نظامیان خارجی با تمام سرنشینانش از بین رفته اند .

یک قومندان مهم اربکی در سرپل کشته شد

جمعه 27 ثور 1392: طبق اطلاعات رسیده از ولایت سرپل، روز گذشته حوالی ساعت 11 ظهر، ملیشه های اربکی های اربکی در منطقه الف از مربوطات مرکز این ولایت با کمین مجاهدین امارت اسلامی مواجه شدند .

در این درگیری یک قومندان مهم ملیشه های اجیر اربکی به نام " قومندان آی محمد " جابجا کشته شده است . در این جنگ بمجاهدین بحمدالله آسیبی نرسیده است .

دو فرد مجاهد از محبس تخار آزاد شدند

دوشنبه 30 ثور 1392: گذارشات ازولایت تخار حاکی است 2 تن از زندانیان مجاهدین امارت اسلامی ازمحبس شهر تالقان مرکز آن ولایت رها گردیده وبا مجاهدین یکجا شدند.

به اساس خبر، مجاهدین هریک تاج محمد وحسیب الله ساعت 9 بجه دیشب از محبس برآمدند وتوانستند خود را با مجاهدین برسانند که اکنون آنان را به محل امنی انتقال داده اند.

یک حملهٔ استشهادی در دفتر شورای ولایتی بغلان جان 14 تن را گرفت

دوشنبه 30 ثور 1392: بر اساس خبر های رسیده یک حملهٔ استشهادی در دفتر شورای ولایتی ولایت بغلان صورت گرفت.

در این حمله رئیس شورای ولایتی ولایت بغلان با 13 تن از همراهانش کشته شدند. گفته میشود که این حمله در مقابل ساختمان شورای ولایتی در شهر پلخمری رخ داده.

هچنین این حادثه 9 تن دیگر را زخمی ساخت.

یک در گیری شدید بین پیروان حق وپیروان باطل در ولسوالی ارگوی بدخشان صورت گرفت

سه شنبه 31 ثور 1392: گذارشات ازولایت بدخشان میرساند که مجاهدین امارت اسلامی با عساکر اردوی اجیر درمنطقه قریه بوینی ولسوالی ارگوی آن ولایت شدیدا درگیر شدند.

درگیری ساعت 9 بجه دیروز صورت گرفت و تا یک بجه ظهر ادامه یافت که دراثرآن، به دشمن تلفات وارد گردید اما رقم آن به دست نه امده است.

کندز :یک کارمند ادارهٔ امنیت ملی دشمن درخان آباد کشته شد

سه شنبه 31 ثور 1392: گذارشات ازولایت قندز حاکی است مجاهدین امارت اسلامی یک کارمند امنیت ملی (ادارهٔ جاسوسی) دشمن را در ولسوالی خان آباد آن ولایت به قتل رساندند.

کارمند یاد شده که بنام نورک یاد میگردید حوالی عصر دیروز درمنطقه ملرغی آن ولسوالی طی یک حمله چریکی کشته شد.

تعداد قربانیان طوفان در امریکا به 90 تن رسیده است

سه شنبه 31 ثور 1392: آخرین گزارشات از ایالات متحدهٔ امریکا حاکی از آن است که تعداد کشته شده گان در طوفان دیروزی امریکا به بیش از 90 تن رسیدند.

این طوفان الهی که عبارت از یک گردباد بود با سرعت 320 کیلومتر در ساعت ده ها تن دیگر را در ایالت اوکلاهما مجروح وناپدید کرده است.

این نوع حادثات ووقایع یک طوفان الهی است که امریکا ومتحدینش را به قعر خود فرو میبرد.

در یک حلمه در شهر بزرگ بدخشان 7 پولیس کشته وزخمی شدند

چهارشنبه 1 جوزا 1392: اطلاعات رسیده از ولایت بدخشان میرساند که در نتیجهٔ حملات مجاهدین در شهر بزرگ 7 پولیس کشته وزخمی شدند.

این حمله در قریهٔ داشمندی ولسوالی مذکور دیروز بعد از ظهر صورت گرفت ودو ساعت دوام کرد.

ناگفته نماند که در تیر اندازی متقابل دشمن دو تن از مجاهدین نیز به مقام شهادت نایل آمدند.

خبرتازه: 6 فرد پولیس بشمول خارنوال **وآمرجنایی در حصه دوم کاپیسا کشته شدند**

چهارشنبه ۱ جوزا ۱۳۹۲: خبرهای تازه ازولایت کاپیسا می رساند، مجاهدین امارت اسلامی طی یک حمله مسلحانه آمرجنایی وخارنوال ولسوالی حصه دوی آن ولایت را به قتل رساندند.

حمله ساعت 11 بجه دیشب درمنطقه جمال آغه آن ولسوالی صورت گرفت، نبرد مدت نیم ساعت ادامه یافت که دراثران، بشمول آمرجنایی وخارنوال 6 تن پولیس کشته و5 تن دیگرآنان شدیدا زخمی شدند.

ودرجریان حمله 2 تانگ زره دار دشمن با یک عراده موتر نوع رینجر نیز مورد اصابت مرمی های سلاح ثقیله قرار گرفت وکاملا تخریب گردید.

ولله الحمد درنبرد به مجاهدین هیچ نوع آسیبی نرسیده است.

در یک حمله مجاهدین معاون قومندانی امنیه بغلان مرکزی کشته شد

دوشنبه ٦ جوزا ۱۳۹۲: خبرهای رسیده ازولایت بغلان حاکی است، مجاهدین امارت اسلامی جمعه گل سرخه معاون قومندانی امنیه ولسوالی بغلان مرکزی را به قتل رساندند.

جمعه گل سرخه ساعت 11 بجه دیشب درمنطقه تپه چهارشنبه آن ولسوالی درموترش درحرکت بود که مورد حمله مسلحانه قرارگرفت و با دو تن از پولیس محافظش کشته و 2 تن دیگرآنان شدیدا زخمی شدند وموتر وی نیز تخریب گردید.

انفجار یک بمب در شمال غرب پاکستان جان پنج پولیس را گرفت

سه شنبه 7 جوزا 1392: در اثر انفجار یک بمب در شمال غرب پاکستان حد اقل پنج پولیس پاکستانی کشته شدند.

بر اساس گزار ش ها این واقعه در منطقه کوهستانی شنگله در ایالت خیبرپختونخواه زمانی به وقوع پیوست که پولیسمصروفگزمهبود.

گفته میشود که در میان کشته شده گان این رویداد یک افسر ارشد پولیس نیز شامل است. در واخر نزدیک حملات مجاهدین در هردو کشور هم سرحد(افغانستان وپاکستان) بصور ت میانه در حرکت است.

درحملۀ استشهادی در پنجشیر 38 تن کشته و حدود 40 تن دیگر زخم برداشتند

چهارشنبه 8 جوزا 1392: امروز حوالی ساعت 3:30 صبح یک گروپ استشهادیان بالای ساختمان مقام ولایت پنجشیر حمله کردند.یکی از این حمله کننده گان استشهادی نخست پهره داران مقام ولایت را با انفجار دادن واسکت خود به قتل رساند، سپس فدائیان دیگر داخل ساختمان شدند. بعدا استشهادیان با نعره های الله اکبر بالای منسوبین دولتی ونیروهای خارجی تیر اندازی نمودند. جنگ شدیدی بین فدائیان ونیروهای اجیر در داخل ساختمان صورت گرفت. در این جنگ که مدت 5 الی 5 ونیم ساعت دوام کر 38 تن از نیروهای اجیر اعم از منسوبین دولت، کارمندان امنیت و 12 تن از نیروهای اشغالگر که در آنجا مهمان بودند، کشته شده و حدود چهل تن دیگر زخمی شدند. همچنان در این عملیات مؤفقانه ساختمان مقام ولایت نیز به آتش کشیده شده است. بالآخره بعد از 5 ساعت مقاومت شدید استشهادیان امارت اسلامی افغانستان هر یک ضیاؤالدین(حنظله) از کندز، خادم (احمد) از بغلان، نصرت الله (محمدفاضل) از سرپل، عمار، محمدیاسین وسید کامل از ازبکستان، به درجه رفیع شهادت نایل گشتند .

چه خوش رسمی بنا کردند بخاک و خون غلطیدند
خـدا رحـمـت کنـد این عـاشقان پاک طـینت را

در نتیجه یک حملۀ هوایی در وزیرستان شمالی، امیر حلقه محسود مولانا ولی الرحمن رحمه الله به شهادت رسید.

پنجشنبه، 9 جوزا 1392: بر اساس گزارشها شب چهارشنبه در نتیجه یک حمله راکتی طیاره های بدون سرنشین امریکائی در شهر میرانشاه در وزیرستان شمالی امیر حلقه محسود و معاون امیر حکیم الله محسود رهبر تحریک طالبان پاکستان با چهارتن از همراهانش به شهادت رسید. انا لله وانا الیه راجعون

مجاهدین تحریک طالبان پاکستان قومندان سجنا را جانشین مولانا ولی الرحمن برگزیدند

جمعه 10 جوزا 1392: سخنگوی تحریک طالبان پاکستان احسان الله احسان با تائید خبر شهادت مولانا ولی الرحمن به رسانه ها گفت که قومندان سجنا را منحیث امیر حلقه محسود وجانشین مولانا برگزیدند.

مولانا ولی الرحمن رحمه الله یکی از رهبران مهم تحریک طالبان پاکستان بود. وی در قبال اینکه امیر حلقه محسود بود، عالم بود و با مهاجرین رویه خوب داشت. الله تعالی شهادت این امیر صادق امت اسلام را به درگاه خود قبول فرماید آمین.

قومندان سجنا یکی از قومندانان برجسته وماهر علمیات های جهادی در پاکستان بوده در مدت سال های متمادی چندین عملیات مهمی را برضد فوج وحکومت مرتد پاکستان راه اندازی کرده بود. وی در عملیات بنو که در آن حدود 400 تن از زندان رها شدند نیز نقش داشت.

یک محافظ عبدالرؤف ابراهیمی در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز کشته شد

سه شنبه 14 جوزا 1392: اطلاعات رسیده از ولایت کندز میرساند که شب گذشته یک محافظ خاص عبدالرؤف ابراهیمی رئیس مجلس نماینده گان در خانه اش کشته شد.

این عسکر کریم نام داشت که دیشب در نتیجۀ یک حملۀ چریکی مجاهدین جان داد. گفته شده است که این عسکر بخاطر سپری نمودن رخصتی به خانه آمده بود.

در نتیجۀ درگیری مجاهدین با دشمن در چهاردرۀ کندز 7 تن از عساکر مزدور کشته و زخمی شدند

سه شنبه 14 جوزا 1392: ساعت 6 صبح امروز یک عملیات مشترک از سوی نیروهای خارجی ومزدوران داخلی شان در ولسوالی چهاردرهٔ ولایت کندز بالای مجاهدین صورت گرفت.

در مقابل هجوم دشمن، مجاهدین با استفاده از سلاح های ثقیله وخفیفه مقاومت نمودند که درگیری شدید بین پیروان حق وپیروان باطل در ولسوالی مذکور صورت گرفت، در این درگیری یکی از قومندانان مشهور ملیشه های محلی بنام شیر آغا با سه تن از همراهانش کشته شده وچهار تن از عساکر اردوی ملی نیز جراحت برداشتند.

دو رینجر دشمن در ولسوالی وردوج تخریب ودر آن 5 عسکر کشته شدند

سه شنبه، 14 جوزا 1392: گذارشات تازه ازولایت بدخشان می رساند، مجاهدین بر عساکر اردوی اجیر در ولسوالی وردوج آن ولایت حمله کردند.

حمله ساعت 5 عصر دیروز بر آن عساکر دشمن درمنطقه تیرگران آن ولسوالی صورت گرفت که غرض عملیات به آن منطقه آمده بودند.



نبرد تا ساعت 9 بجه شب ادامه یافت که دراثرآن، شمار زیادی از عساکر قوای دشمن کشته وزخمی شدند ویک عراده موتر نوع رینجر مورد اصابت قرار گرفت وکاملا تخریب گردید.

به اساس خبر، درجریان نبرد 2 تانگ زرهدار دشمن،1 میل دهشکه،1 میل زیکویک ومقادیری زیادی از مهمات به دست مجاهدین غنیمت گرفته شده است.

خبرمی گوید که عساکر دشمن هنگامیکه از منطقه یاد شده پا به فرار نهادند یک رینجر دشمن درمربوطات تیرگران آن ولسوالی شکارماین گردید که دراثرآن، رینجر کاملا تخریب گردید و5 عسکر اجیر درآن جابجا کشته شدند.

ودرپایان نبرد منطقه تحت بمباران شدید دشمن نیز قرارگرفت اما الحمد لله تلفات در پی نداشت.

در نتیجهٔ یک انفجار در بغلان مرکزی معاون قوماندان پولیس اجیر کشته شد

پنجشنبه 16 جوزا 1392: درنتیجهٔ انفجار یک ماین معاون پولیس اجیر بغلان مرکزی قوماندان فدائی با یک محافظش کشته ویکتن دیگر زخم برداشت.

گفته میشود که شخص کشته معان قوماندان زرغون بود که موتر حاملش دیروز در منطقه زمان خیل شهر کهنه هدف یک انفجار قرار گرفت. همچنان در این حمله موتر وی نیز تخریب گردیده است.

انفجار یک ماین در پاکستان دو پولیس را کشت وسه تن را مجروح ساخت

جمعه 17 جوزا 1392: در نتیجهٔ انفجار یک ماین جاسازی شده در شمال غرب پاکستان دو پولیس کشته و سه تن دیگر مجروح شدند.

به گفته مقامات پاکستان، عساکر پولیس دیروز زمانی مورد هدف قرار گرفتند که در اطراف شهر پشاور در حال گزمه بودند.

در اثر انفجار یک ماین در وزیرستان شمالی ٤ فوج پاکستانی کشته و زخمی شدند.

یکشنبه 19 جوزا 1392: در نتیجهٔ انفجار یک ماین در شهر میرانشاه وزیرستان شمالی دو فوج پاکستانی کشته و دوتن دیگرشان زخم برداشتند.

این انفجار زمانی رخ داد که کاروان فوج مرتد پاکستانی بسوی کیمپ خود در حرکت بود. گفته شده است که در این انفجار موتر حامل شان نیز تخریب گردیده است.

خبرتازه : یک هلیکوپتر دشمن در پنجوایی سقوط داده شد

سه شنبه 21 جوزا 1392: مسئولین جهادی امارت اسلامی از ولایت قندهار خبر داده اند که امروز حوالی ساعت 8 صبح ،عساکر اسپیشل فورس دشمن را در ولسوالی پنجوایی مورد حمله مسلحانه قرار داده اند .

این عملیات پس از آن آغاز گردید که عساکر دشمن دیشب حوالی ساعت 2 بجه ، بقصد اجرای عملیات توسط هلی کاپترهای شان بمنطقه پیروزی ازمربوطات تلوکان پیاده شده بودند که امروز صبح مورد حمله مسلحانه مجاهدین قرار گرفتند.

مجاهدین در این عملیات که تا کنون بشدت ادامه دارد، بعد از ظهر امروز یک هلی کاپتر دشمن را هدف فیر راکت قرار دادند .

در این عملیات هلی کاپتر دشمن در هوا آتش گرفته و پس از لحظاتی نزدیک قریه گورگان سرنگون گردید و تمام راکبین آن بهلاکت رسیدند .

مجاهدین حاضر در صحنه می گویند که دشمن تا کنون توسط هلی کاپتران منطقه را بمباران می کند .

درولسوالی وردوج 18 تن از عساکر دشمن کشته شدند

بتاریخ 24 جوزا 1392: مجاهدین اسلام در ولسوالی وردوج ولایت بدخشان بالای پوستهٔ دشمنان اسلام هجوم بردند، که در نتیجهٔ آن 18 تن از دشمنان اسلام کشته شده و 25 تن دیگرشان زخم برداشتند. ویک عراده تانک شان نیز کاملا تخریب گردیده است. واز مجاهدین هم 8 تن زخم برداشتند. عسکر دشمن کشته وحدود 24 تن دیگر زخم برداشتند. این درگیری تاکنون به شدت ادامه دارد. جزئیان بیشتر این خبر بعداً به نشر خواهد رسید.

به اثر انفجار ماین چهار فوج مرتد پاکستانی کشته شدند

به اثر انفجار ماین در شاهراه میرعلی و میرانشاه چهار فوج مرتد پاکستانی کشته و 12 تن دیگر به شدت مجروح شدند



قومندان عبدالطیف با سه محافظش کشته شدند

بتاریخ 24 جوزا 1392: مجاهدین اسلام رینجر قومندان عبدالطیف را در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز مورد هدف ماین قرار دادند، که در نتیجه قومندان موصوف با سه محافظش کشته شده ورینجر مکمل از بین رفته است.

قومندان امنیه ولسوالی وته پور کنر دراثرجراحتی که برداشته بود جان باخت

یکشنبه 26 جوزا 1392: منبع خبری امارت اسلامی افغانستان گزارش داده است که قومندان امنیه ولسوالی وته پور کنر در یک حمله چریکی زخم برداشته بود، جان باخته است.

گفته میشود که این قومندان سراج نام داشت که بعد از برداشتن جراحت در شفاخانه اسعد آباد جان داد.

یک برادر مجاهد در ولایت بدخشان شهید شد

بتاریخ 29 جوزا 1392: برادر مجاهد ما عبدالحکیم در یک معرکهٔ شدید با دشمنان اسلام درولسوالی شهر بزرگ ولایت بدخشان به شهادت رسید. اناللّٰه وانا الیه راجعون

در ولسوالی نهرین یک پوسته فتح گردید

بتاریخ 29 جوزا 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان با مجاهدین امارت اسلامی افغانستان در ولسوالی نهرین ولایت بغلان یک پوستهٔ مرتدین داخلی را فتح نمودند که در نتیجه 3 تن از عساکر دشمن کشته شده و باقی ماندهٔ شان موفق به فرار شدند.

9تن از عساکر دشمن در ولایت سرپل کشته شدند.

بتاریخ 1 سرطان 1392: در ولسوالی کوهستان ولایت سرپل نبرد شدید، میان مجاهدین و مرتدین صورت گرفت که در نتیجه برادر مجاهد ما عبدالقیوم با دو برادر دیگر به شهادت رسیده و 9 تن از دشمنان اسلام نیز کشته شدند.

در ولایت بغلان رئیس نظم عامه کشته شد

بتاریخ 5 سرطان 1392: مجاهدین اسلام درولایت بغلان رئیس نظم عامه را به قتل رسانده و سلاحش را به غنیمت بردند.

پاکستان: یک فوج پاکستانی در وزیرستان جنوبی کشته شد

8 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در وزیرستان جنوبی ودر منطقهٔ شکتو، توسط درازنوف یک فوج مرتد پاکستانی را به قتل رساند.



به اثر انفجار ماین دو قومندان اربکی در ولسوالی خواجه غار تخار کشته شدند

به تاریخ 8 سرطان 1392: عصر روز شنبه یک رینجر

اربکی ها در ولسوالی خواجه غار ولایت تخار مورد هدف ماین جاسازی شدۀ مجاهدین قرار گرفت که در نتیجه آن دوقمندان اربکی (داود و شیر آغا) با سه عسکرش کشته شده و قومندان خدر به شدت زخم برداشته است.

دوتن از برادران مجاهد در ولایت تخار به شهادت رسیدند

بتاریخ 10 سرطان 1392: برادر مجاهد ما قاری حبیب الله با برادر خود حکمت الله مصروف جابجا کردن ماین بود که متأسفانه ماین شان انفجار نموده و هردو برادران جام شهادت را نوشیدند. اناالله وانا الیه راجعون

قومندان امنیهٔ ولسوالی برکهٔ ولایت بغلان با سه محافظش کشته شدند

دوشنبه 10 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان رینجر قومندان امنیهٔ ولسوالی برکهٔ ولایت بغلان را مورد هدف ماین جاسازی شده قرار دادند، که درنتیجهٔ آن قومندان موصوف با سه محافظش کشته شدند.

پاکستان: پوستهٔ فوج پاکستان دروزیرستان جنوبی مورد هدف راکت قرار گرفت

10 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در منطقهٔ بدر وزیرستان جنوبی یک پوستهٔ فوج مرتد پاکستانی را مورد هدف گلوله های راکت قراردادند، اما از آمار تلفات آنها معلومات در دست نیست.

در ولایت ننگرهار یک اردوی ملی کشته شده ویکی دیگر زخم برداشت

10 سرطان 1392: مجاهدین حرکت، در ولایت ننگرهار در دو عملیات جداگانهٔ دراز نوف یک تن از عساکر اردوی ملی را کشته ویکی دیگر را زخمی ساختند.

پاکستان: فوج مرتد پاکستانی مورد هدف درازنوف قرار گرفت

14 سرطان 1392: مجاهدین حرکت در وزیرستان جنوبی ودر منطقهٔ شکتو فوج مرتد پاکستانی را مورد هدف گلوله های درازنوف قراردند، وبعد از آن فوج پاکستانی جواب این عملیات را با توپ وتانک دادند.

مجاهدین اسلام بالای پوستهٔ پولیس ملی در ولایت ننگرهار هجوم بردند

15 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در ولایت ننگرهار بالای پوستهٔ پولیس ملی توسط آر پی جی هجوم بردند، که در نتیجه پوستهٔ مذکور کاملا منهدم گردیده و همه عساکردشمن؛ پوسته را ترک کرده پا به فرار نهادند.

در ولسوالی چهاردرهٔ ولایت کندز یک قومندان اربکی زخم برداشت

شنبه 15 سرطان 1392: مجاهدین حرکت اسلامی ازبکستان در منطقهٔ سرک بالا ودر ولسوالی چهاردرهٔ ولایت کندز یک قومندان اربکی (سید محمد) را با موتر سایکلش مورد هدف ماین قرار دادند، که در نتیجه محافظش کشته شده و خود قومندان به شدت زخم برداشته است.

این بود اخبار منطقه وجهان خدمت شما خوانندگان عزیز تقدیم گردید.

"ادرة جند الله"

عصر حاضر

چه عصر است این که دیـــن فریادی اوست

هـــــزاران بـــنــــــد در آزادی اوست

***

زروی آدمیـــــت رنـــگ و نـــم بـــرد

غـلـط نـقشی کـــه از بهـــــزادی اوست

***

نــگـــاهـش نـقـشبنـــد کـافـری هــــا

کـــــمـــــال صــنعـــت او آذری هـــــا

***

حـــذر از حـــلــــقه بـــازار گــــانش

قــمـــار است این هــمه سوداگری هـــــا

***

جـوانـــان را بـد آمـوز است ایـــن عصر

شـــب ابـــلیس را روز است ایـــن عصر

***

بـــــه دامـــانش مثـــال شعلــه پیـچـــــم

که بی نور است و بی سوز است این عصر

***

مسلمـــــان فقـــر سلطانـــــی به هـم کرد

ضمیـرش بـاقـی و فـانی بــه هـــم کرد

***

ولیـــکن الامـــان از عصـــر حـــاضـــر

کـــه سلطانـــی به شیطانی به هـم کرد

***

چه گویم رقص چون تو است و چون نیست

جشیش است ایـــن نشاط انـدرون نیست

***

بـــه تـقـلـید فـــرنگــــــی پای کوبی

بـــه رگ هـــای تو آن طغیان خون نیست

"اقبال لاهوری/418"

The Army Of Khurasan



مسلمانان برما در میان شعله های آتش